



سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۹ تابستان ۱۴۰۲

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

رمانتیسزم در عناوین آثار باستانی پاریزی

دکتر مهدی اخروی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۶۹ تا ص ۹۶)

 [20.1001.1.27834166.1402.6.2.4.3](https://doi.org/10.1001.1.27834166.1402.6.2.4.3)

چکیده

یکی از نویسندگان با ذوق و پراثر روزگار ما، محمد ابراهیم باستانی پاریزی بود. او علاوه بر اطلاعات عمیق تاریخی و قلم روان و پر رنگ و نگاری که برای نوشتن داشت؛ در انتخاب عنوان برای کتابها و مقالاتش نیز خلاقیت فراوانی از خود نشان داد. نامهایی که گاه بسیار علمی و منطقی و گاه بسیار ابهام‌آمیز و رمانتیک و زمانی بسیار پرموسیقی و خیال‌انگیز هستند. ما در این نوشتار تأملی در عناوین کتب باستانی پاریزی کردیم و با توجه به سیر عنوان‌گزینی در ایران و جایگاه نویسندگان در این روند تاریخی، شگردهای رمانتیک عنوان‌گزینی او را دقیق‌تر نگرستیم و با معرفی مختصر آثار، جنبه‌های جذاب عناوین را بررسی کردیم. در نهایت آنچه حاصل آمد این‌که: باستانی پاریزی نویسنده‌ای متمایل به مکتب رمانتیسزم است و این تمایل، در عناوین برخی آثار، به صورت‌های متفاوت؛ نظیر توجه به حس و عاطفه، تخیل، وزن و موسیقی، ابهام و ابهام‌پردازی، آشنایی‌زدایی و تشخیص، توجه به تجربه‌های شخصی و سیاحت آفاقی به ویژه در زمان و مکان و نمود پیدا کرده است. البته دسته‌ای از عناوین منتخب وی نیز جنبه‌های علمی - تاریخی دارد و بیش‌تر اشتمال نام بر مفهوم کتاب، مد نظر نویسنده بوده است.

^۱ استادیار دانشگاه فرهنگیان، خراسان جنوبی، فردوس. // Ok1346@gmail.com



کلید واژه‌ها:

باستانی پاریزی، نام‌گذاری، رمانتیسم، تاریخ کرمان، عنوان شناسی

مقدمه

انتخاب نام زیبا و دل‌نشین به عنوان اولین معرف یک اثر مکتوب، از دیر باز اهمیت ویژه‌ای داشته است. نویسندگان و شعرای صاحب نام با توجه به معیارهای رایج در هردوره، کوشیده‌اند از عناوین جذاب و گویا برای آثار خویش استفاده کنند. آن‌ها نه تنها به مفهوم این عناوین به گونه‌ای که با متن بیشترین تناسب را داشته باشد، توجهی ویژه داشته‌اند؛ بلکه ویژگی‌های آوایی و بصری این اسم‌ها را نیز در نظر داشته‌اند و سعی کرده‌اند واژه یا عبارت انتخابی، مفهومی رسا و معرف مفاهیم اصلی کتاب داشته باشد، چشم نواز باشد و صدایش در گوش خوش بنشیند.

در ادب عرب تا اوایل قرن چهارم هجری، عنوان کتاب، بیان‌گر همان محتوای دقیق کتاب بود. چنان که نام کتاب "جاحظ" در اوصاف حیوانات، «الحيوان» و نام کتاب دیگر او که در اخبار بخیلان است، «البخلا» گذاشته شد. سنت مسجع نوشتن نام کتاب هم در عرب بسیار رایج بود. از اوایل قرن پنجم که ایرانیان محتوای کتب را به فارسی می‌نوشتند، نام کتاب‌ها عموماً به واژگان عربی بود و از قواعدی که ذکر آن گذشت پیروی می‌کرد و استفاده از انواع فنون بلاغت و شگردهای آرایش کلام نیز رواج می‌یافت.

«الادویه عن حقایق الادویه» نامی مسجع و عربی است که "هروی" بر کتاب خود نهاده است. جناس در عنوان، «عوارف المعارف» "سهروردی"؛ تضاد در عنوان «آغاز و انجام» "خواجه نصیر توسی"؛ تلمیح در عنوان «جام جهان نامی» "اوحدی مراغه‌ای"؛ نمونه‌ای از این کاربردهاست.

پس از این، شاهد به کارگیری ترکیباتی جذاب در عنوان کتاب‌ها هستیم؛ به گونه‌ای که نویسنده قصد دارد ذوق هنری مخاطب را برانگیزد و با خلق فضایی پرسش برانگیز، جذابیت عنوان را بالا ببرد. عنوان «لغت موران» "شیخ شهاب الدین سهروردی" و «صد کلمه» از "رشید وطواط" را می‌توان در این شمار آورد. (مهیار، ۱۳۷۸: ۵۲)

از حدود مشروطه همان گونه که زبان نوشتار به سادگی می‌گراید و به زبان مردم نزدیک می‌شود؛ نام گروهی از کتاب‌ها هم به سادگی و روانی می‌گراید. از ساخت‌های هنری فاصله می‌گیرد و به سمتی که با بیانی ساده و روشن، محتوای اثر را به خواننده بشناساند؛ میل می‌کند. «موسیقی شعر» "محمد رضا شفیعی کدکنی"، «تاریخ و فرهنگ» "مجتبی مینوی"، «غلط ننویسیم» "ابوالحسن نجفی" و «صور خیال در شعر فارسی» "شفیعی کدکنی" را از این نوع نام‌گذاری به حساب می‌آوریم.



البته در همین دوره، نام‌هایی را هم می‌بینیم که با دید هنری تری ساخته شده‌اند. این عناوین که عموماً به آثاری که جنبه‌ی ادبی و هنری بارزتری دارند؛ اختصاص پیدا کرده‌اند؛ تنوع زیادی دارند و بویژه از صنایع بدیعی در کنار شگردهای دیگر، استفاده‌ی فراوان کرده‌اند. «فرار از مدرسه» «عبدالحسین زرین کوب»، «طلا در مس» «رضا براهنی»، «سرنی» «عبدالحسین زرین کوب»، «جام جهان بین» «محمد علی اسلامی ندوشن» و «آسیای هفت سنگ» «محمد ابراهیم باستانی پاریزی» در این گروه قرار می‌گیرند.

هرچند مطالب پراکنده‌ای در منابع مختلف بویژه کتب آیین نگارش در مورد عنوان‌گزینی و عنوان‌شناسی بیان شده‌است و همان‌گونه که گذشت به سیر تحول این القاب و عناوین و شیوه‌های گزینش آن‌ها نیز پرداخته‌اند، به طور کلی منابع متقن فارسی در این حوزه بسیار کم است و در مورد عنوان‌شناسی آثار یک نویسنده تحقیق جامعی صورت نگرفته‌است.

بی‌شک یکی از نویسندگان باذوق و در عین حال پر اثرروزگار ما در حوزه‌ی تاریخ، فرهنگ و ادبیات، محمد ابراهیم باستانی پاریزی است. او در دوره‌ی فعالیت نویسندگی‌اش که از سال‌های دانش‌آموزی شروع شد و تا پایان عمر ادامه داشت، ۶۱ کتاب را به چاپ رسانید که برخی از آن‌ها نوبت چاپش به ۱۶ رسید و بقیه نیز چاپ‌های مکرری را بر خود دید.

باستانی پاریزی در انتخاب نام برای آثارش بسیار خلاق و باذوق عمل کرد و نام‌های بسیار متنوع و زیبایی را برای تک‌تک آن‌ها برگزید. این عناوین جذاب، از همان ابتدای چاپ، بسیار مورد توجه و پرسش خوانندگان بود. طوری که در بسیاری از موارد، او در چاپ‌های بعدی آثارش یا در خلال کتاب، توضیحی را در مورد کم و کیف نام‌گذاری کتاب بیان می‌کند و به سوال مقدر پرسندگان جواب می‌دهد.

پرسش‌هایی که در این پژوهش، قرار است در پی پاسخگویی آن‌ها باشیم نخست آن است که: شگردهای عنوان‌گزینی باستانی پاریزی کدام‌اند و دوم این که چه ویژگی‌هایی روح رمانتیک را در این عناوین تقویت می‌کند و بدیهی است روش کار ما مبتنی بر تحلیل محتوا و عنوان‌شناسی خواهد بود.

ما در این نوشته بر آن هستیم که این عناوین را از نظر بگذرانیم و با استناد به گفتار خود مولف و منابع موجود، در کنار معرفی مختصر آثار و بحث در انتخاب عناوین، رگه‌های رمانتیسیم موجود در این عناوین را نشان دهیم. بدیهی است جذابیت‌ها و چشم و جان‌نوازی‌هایی که رمانتیک‌ها در آثارشان نشان می‌دهند، اگر بر عنوان یک کتاب هم جاری شود برای مخاطب حساس و لبریز از خیال و عاطفه‌ی امروز، جذاب و دل‌پذیر خواهد بود.



بحث و تحلیل

شمار زیاد آثار باستانی پاریزی و رنگارنگی عناوین آثارش ما را ناگزیر می‌کند؛ برای بررسی فراگیرتر در درجه ی اول این عناوین را در دو دسته طبقه بندی کنیم. دسته ی اول آثاری هستند که طبق روشی که نخست از آن سخن رفت؛ عناوین بسیار ساده و روانی هستند و مفهوم آن‌ها دقیقاً بیان‌گر محتوای علمی و موضوعی این کتاب‌هاست. کتاب‌های تاریخی و پژوهش‌ها و مقالات تاریخی او در این دسته قرار می‌گیرد و طبیعتاً خلاقیت و تخیل عمیق در عنوان آن‌ها کمتر مشاهده می‌شود. این آثار عبارتند از:

«نشریه فرهنگ کرمان»، «راهنمای آثار تاریخی کرمان»، «تاریخ کرمان»، «منابع و مآخذ تاریخ کرمان»، «سلجوقیان و غز در کرمان»، «فرماندهان کرمان»، «جغرافیای کرمان»، «گنجعلی خان»، «تاریخ شاهی قراختائیان»، «تذکره صفویه کرمان»، «صحیفه الارشاد»، «یادبود من (مجموعه شعر)»، «یاد و یادبود (مجموعه شعر)»، «محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله»، «اصول حکومت آتن»، «یعقوب لیث»، «شاه منصور»، «سیاست و اقتصاد عصر صفوی»، «ذوالقرنین یا کوروش کبیر» و «اخبار ایران از ابن اثیر».

دسته‌ی دوم آثاری هستند که زمینه‌های خلاقیت نویسنده را در عنوان‌گزینی به خوبی نشان می‌دهند و از نظرگاه رمانتیسم نیز قابل بررسی هستند.

اما رمانتیسم چیست: رمانتیسم از ریشه‌ی رمانس گرفته شده که در قرون وسطی به کتاب‌هایی که به زبان‌های بومی محلی نوشته می‌شد؛ رمانس، رمانز یا رمان گفته می‌شد. در ابتدا مترادف با داستان‌های خیالی یا ماجراهای پهلوانی و عاشقانه بود. کم‌کم از سال ۱۶۶۰م. از این معنی فراتر رفت و به اموری نظیر توجه به مناظر طبیعی و دل بستگی به طبیعت نیز اطلاق می‌شد و از اوایل قرن نوزدهم کلمه‌ی رمانتیک بیان‌گر معانی‌ای از قبیل عالی و ظریف بود و سپس به معنی سخن یا نوشتاری احساسی و تخیل برانگیز کاربرد یافت. (زرشناس، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

رمانتیسم به عنوان یک خیزش انقلابی با ضعیف شدن طبقه‌ی فرادست و عدم حمایت هنر از جانب آنان، از آلمان شروع شد و به عنوان نوعی ارزیابی مجدد هستی‌شناسانه که باید از طریق شعر به همه جا ساطع شود و جهان را به صورتی بنیادی تغییر دهد؛ همه‌ی اروپا را فرا گرفت. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۵) این قیام اعتراضی علیه عقل‌گرایی و اصول لایتغیر کلاسیسم بود و فلسفه‌اش با ذهن‌گرایی مطلق آغاز می‌شد و برای مدتی طولانی حتی در کنار تفکرات زاینده از کلاسیسم و مکاتب شکل گرفته از دگر دیسی آن نظیر سمبولیسم و اکسپرسیونیسم، توانست حاکمیت خود را در حوزه‌ی تفکر و بویژه ادبیات حفظ کند. من رمانتیسم احساساتی، گنگ و مبهم، متلون و



سودایی و عاشق پیشه است و نگاه این مکتب به انسان و رویکرد فلسفی، ادبی و هنری‌اش، تحولی شگرف نسبت به دیدگاه‌های قبل از آن به حساب می‌آید. (اخروی، ۱۴۰۱: ۴۸)

مهمترین ویژگی‌های این مکتب بر اساس نظر "آیزا برلین" عبارتند از :

شورش علیه خرد، احساسات و عواطف قوی، توجه به مشترکات انسانی و دوره‌ی کودکی، اهمیت فردیت و تجربه‌ی فردی، اهمیت تصویر و تخیل، بازگشت به طبیعت و اسرار آن، تکیه بر ضمیر ناخودآگاه، بیمارگونگی، اهمیت نوستالژی آرزو و حسرت، اهمیت پارانویا، آزادی مطلق، هیجان و احساسات، گریز و سیاحت آفاقی و انفسی و کشف و شهود. (آیزا برلین، ۱۳۸۵: ۱۷۱)

در عناوینی که باستانی پاریزی برای کتاب‌ها و مقاله‌هایش در نظر می‌گیرد، پرتوهایی از ویژگی‌های مورد نظر رمانتسم‌ها خودنمایی می‌کند. در دسته‌ی دوم از آثار وی که محور بحث ما در این سطور است، احساس می‌شود نویسنده به نوعی به یک فردیت قابل قبول برای خود رسیده که در سایه‌ی آن به خود اجازه می‌دهد با ابداع برخی معیارهای نام‌گزینی، دست به خلاقیت و ابتکار بزند. نمونه‌ای از این شورش آن‌جا متبلور می‌شود که تعداد زیادی از آثار وی نام‌های جذابی دارند که به هیچ‌گونه عنوان راهنمای مناسبی برای موضوع و محتوای کتاب نیستند. ذهن و فکر نویسنده در مجموعه آثارش با آزادی وصف‌ناپذیری جولان دارد و موضوعات متفاوت را در یک کتاب کنار هم قرار می‌دهد و با تصمیمی آزادانه و هنر محور، نام بخش کوچکی از کتاب را برکل کتاب می‌نهد و خواننده را هنگام مواجه شدن با جلد و عنوان کتاب شگفت زده می‌کند. عنوان «آفتابه‌ی زرین فرشتگان» چنین حالتی دارد. تاریخ‌شناسی باستانی پاریزی و آگاهی او از جزئیات تاریخ ایران و جهان، همواره واژه‌ها و حکایات و ضرب‌المثل‌هایی را در ذهن تیزبین او حاضر دارد و باعث می‌شود در انتخاب کلمات و عناوین هیچ‌گاه در تنگنا قرار نگیرد. بویژه این که برخی از این عناوین برای او حالتی نوستالژیک دارند.

بازگشت به طبیعت کویر و خاطرات گذشته و باورهای مردم پاریز و کرمان، همچنین بازگشت به وقایع و حکایات تاریخی نیز ویژگی بارز دیگری در محتوا و عناوین آثار باستانی پاریزی است. شمار عناوینی که مربوط به گذشته‌های دور هستند، چه به صورت وقایع تاریخی یا اشخاص یا حتی حکایات تاریخی و فرهنگ و باورهای مردم در آثار او کم نیست و به نظر می‌رسد تعهد نویسنده به دوران ساده و صمیمی گذشته، همان دورانی که نان جو و دوغ گاو، غذای غالب بود؛ ولی درستی و آزاد منشی در اوج سیر می‌کرد؛ به هیچ‌گونه عنوان خدشه بردار نیست.



باستانی پاریزی با ابتکار عمل، عناوین و موضوعات متفاوت را چون کشکول ماندی جذاب کنار هم قرار می‌دهد؛ از تصاویر و دست خطها و بریده‌ی نشریات هم در متن استفاده می‌کند. نام یک حکایت کوتاه را بر یک فصل می‌نهد و گاه همین نام را برای کل کتاب در نظر می‌گیرد و گاه همین فصل را از کتاب در می‌آورد و با گسترش آن یک کتاب جدید می‌سازد. چیزی که در گذشته‌ی آثار ادبی و تاریخی ما کمتر دیده شده و در روزگار ما هم به این سبک و سیاق در آثار دیگر دیده نشده است.

با توجه به این ویژگی‌ها و موارد دیگری که در اثنای بحث بدان می‌پردازیم این دسته‌ی اخیر از آثار باستانی پاریزی را ذیل چند عنوان بررسی می‌کنیم.

الف (مجموعه‌ی هفتی: شامل هشت اثر که در ترکیب نام آن‌ها عدد هفت جایگاه کلیدی دارد. نویسنده از جایگاه عدد هفت در فرهنگ ایرانی - اسلامی و حتی بومی به خوبی برای جذاب کردن این عناوین استفاده کرده است و با قرار دان عدد هفت در کنار واژه‌های مناسب و بهره‌گیری از جلوه‌های احساسی و خیالی، عناوین رمانتیکی ساخته است.

کاربرد عدد و ترکیبات و مفاهیم عددی، به قدری وسیع و عظیم است که در همه‌ی امور روزمره‌ی زندگی به وفور به چشم می‌خورد. در میان اعداد، تنها تعداد معدودی از آن‌ها سمبل گشته اند که عدد هفت یکی از آن‌هاست.

هفت نماد پیچیدگی و تودرتویی است. حاکی از بطن در بطن بودن خلقت، زمین، آسمان و هر آنچه عمیق، ژرف و وسیع است. هفت سمبل مراتب کمال و تعالی است. (آقا شریف، ۱۳۸۳: ۱۳۵)

طبقات زمین و آسمان، فرشته‌های مقدس بنی اسرائیل، امشاسپندان زرتشتیان، پروردگار هندووان، اقلیم‌های زمین، آتشکده‌های معروف ایران، ایزدان مانوی، اشواط طواف و سعی، مراتب تبلیغی اسماعیلیه و مراتب عشق و عرفان، همه تعدادشان هفت است.

در آثار ادبی زبان فارسی نیز عدد هفت جایگاه ویژه‌ای دارد و به عناوین متعددی برمی‌خوریم که از برساخته‌های عدد هفت هستند. «هفت اقلیم امین احمد رازی»، «هفت اورنگ جامی»، «هفت پیکر نظامی»، «هفت حصار خواجه عبدالله انصاری» و... از این شمار هستند.

خاتون هفت قلعه: این نام تعبیر کنایی زیبایی از سیاره‌ی زهره است. استعاره‌ی مصرحه در واژه‌ی خاتون از سوی و در هفت آسمان از سوی دیگر، ارزش تخیلی این عنوان را بالا می‌برد و عمق و پیچیدگی‌ای که عدد هفت بر آن



می‌افزاید، تعبیر را در فضایی مه‌آلود و پر رمز و راز که مورد پسند رمانتسیم است به عالم افسانه‌های باستانی نزدیک می‌کند.

آسیای هفت سنگ: مجموعه نوشته‌های متعدد و پراکنده‌ای است از باستانی پاریزی در حوزه‌های مختلف تاریخ، فرهنگ، ادب، سیاست و نظایر آن، که گاه به طنز می‌گراید و عمده‌ی بحث پیرامون مجلس پانزدهم و دولت مصدق و جریان ملی شدن صنعت نفت دور می‌زند. داستان وکلایی که به قول مصدق از در جهنم وارد شده بودند تا از در بهشت خارج شوند؛ ولی طعمه‌ی شمشیر و کمان و طرد و زندان گشتند؛ در حالی که هدفشان خدمت بود؛ در آسیای هفت سنگ سیاست، آرد شدند. (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۱)

آسیا همان آس بزرگی که با آب می‌چرخد و قدرت خردکنندگی فراوانی دارد. حال در تعبیر نویسنده این آسیا به جای یک سنگ، هفت سنگ دارد که استعاره از آسمان با هفت سیاره‌اش است که همه می‌توانند نابود کننده و خرد کننده باشند و باز با توجه به محتوای داستان، سیاست و گردش سیاسی روزگار؛ مانند همان آسمان ظالم در نظر قدماست که چگونه بی‌گناهی را خرد کرد و خرد خواهد کرد. بازگشت به باور تاثیر کواکب در سرنوشت انسان و دشمنی افلاک با او از سویی و صور خیالی که اشاره شد جلوه‌ی حس و خیال رادر این عنوان برجسته می‌کند. نای هفت بند: باستانی پاریزی خود می‌نویسد:

کوشش من همه این بود که هیچگاه بلبل سالن نشوم و ادعای بلبل باغ هم ندارم - یعنی قبولم ندارند - همان ترنشک [بلبل کوهی] روستایی خودمان هستم که به راه خود می‌روم و خواننده عزیز را در کوه و دشت سیر می‌دهم، بدون این که خود ادعای خوانندگی داشته باشم. نی محزون و نی هفت بند نیز آلت موسیقی و ترانه ساز روستائیان و کوه نشینان و چوپانان سر به بیابان نهاده است، نه وسایل گرم و نرم شهر مقیمان و سالن نشینان. (همان، ۱۳۶۹: ۳)

در این عنوان نیز باستانی، فرهنگ ناب و دست نخورده‌ی روستای زادگاهش را در نظر دارد و در دنیای دانش و فن‌آوری، به باورهای ساده‌ی روستایی ارج می‌نهد و هرآن چه از نی محزون در ذهن و زبان عامه‌ی مردم جاری است را می‌پذیرد. عدد هفت در کنار واژه‌ی نی، عمق پیام و رمز و راز های این نی سنتی را برجسته‌تر می‌کند.

اژدهای هفت سر: اژدهای هفت سر، اژدهایی اساطیری که هفت سر دارد :

شود تا نه بس هفت سر اژدها

گر اکنون که مار است گردد رها

(دهخدا: ذیل اژدهای هفت سر)



واژه‌ی اژدها خود پیشینه‌ای اساطیری و تخیلی در فرهنگ ملل دارد و نمادی برای پلیدی و پلشتی است، وقتی در این ترکیب با صفت هفت سر از آن یاد می‌شود، باز هم جنبه‌های وهمی آن تقویت می‌گردد و به صورت خطرناک‌ترین و آسیب‌رسان‌ترین دشمن انسانیت به عالم ذهن وارد می‌شود. این تعبیر نخست از جهت وهمناکی و بیان استعاری و دوم از جنبه‌ی نماد سازی با ساز و کارهای مکتب رمانتیسم سازگاری دارد.

در افسانه‌های عامیانه‌ای که در نقاط مختلف ایران رواج دارد نیز این اژدها حضور دارد که نمونه‌ای از آن را در داستان «درویش و اژدهای هفت سر» می‌بینیم. (روانی پور، ۱۳۶۹: ۶۵)

کتاب اژدهای هفت سر تعبیری است، در حق راه ابریشم، جاده تاریخی که شهرت جهانی داشت و معمولاً به یک سلسله راههایی گفته می‌شد که از چین، سرزمین با شعار اژدها، و ولایات ابریشم خیز قبل از میلاد و قبل از اسلام، شروع می‌شد و به انطاکیه و روم، سرزمین‌های خریدار ابریشم در قرون قدیم ختم می‌گردید.

کوچه هفت پیچ: مجموعه مقالات پاریزی در مورد سیاست و اهل آن، شخصیت‌های تاریخی مثنوی معنوی، افسانه در تواریخ و... است با همان بیان روان و زنده و گاه طنزآلود نویسنده که به آن جذابیت ویژه می‌بخشد. کوچه‌ی هفت پیچ، نام یکی از کوچه‌های قدیمی شهر شیراز است که نویسنده نام آن را برای این اثر برگزیده است. عدد هفت در کنار پیچ و کوچه به آسانی مفهوم دشواری گذرگاه و مبهم و پر رمز و راز بودن آن را به ذهن می‌آورد و حتی گوشه‌ی چشم لطیفی به هفت دشواری یا هفت خان دارد و استعاره‌ی ظریفی است برای مسیر سیاست و تاریخ و دشواری‌های آن.

زیر این هفت آسمان: هفت آسمان؛ فلک‌های قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و زحل است. (دهخدا؛ ذیل هفت) این کتاب شامل مقالاتی است که قبلاً در جرایدی مثل اطلاعات، خاور، کیهان و خواندنی‌ها، چاپ شده است و بیشتر شامل مقالات اجتماعی است. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۹: ۴) عدد هفت که کنار آسمان قرار گرفته، یادآور باور قدما بر وجود آسمان‌های هفت‌گانه است. سقفی که بر بالای سر ما و گاهی مسئول حوادثی است که بر سرمان می‌آید که خود به نوعی بیان‌گر استدلال‌گریزی و توجه به جبر و باورهای احساسی قدماست و البته هم‌سو با راهبرد اساسی رمانتیسم؛ یعنی گریز از عالم عقل و استدلال کلاسیسم و غوطه خوردن در دنیای احساس و تخیل بی‌نهایت.

سنگ هفت قلم: پاریزی در کتاب «سنگ هفت قلم» نقش زن را به شکلی خاص در تاریخ مطرح کرده است و در این کتاب جای پای زن را در همه جا جستجو نموده است، به همین خاطر در مقاله «زن و جنگ» در «نای هفت» معترف است که از سرنوشت زن در تاریخ غافل نبوده است.



سنگ هفت قلم از جمله نفیس‌ترین و با ارزش‌ترین آثار هنری دوره‌ی رنسانس به شمار می‌رود و می‌توان با کمال اطمینان گفت که در جهان مانند آن را سراغ نداریم. این سنگ که از جمله عجیب‌ترین‌های هنر حکاکی است و طرح آن را "کمال‌الدین بهزاد" و تراشکاری آن را "شمس‌الدین حکاک" ترتیب نموده است. چون در گذشته معمول بوده، عروسان را با هفت رنگ و هفت قلم آرایش کنند، سنگ هفت قلم به مانند عروسی است که با هفت قلم آرایش شده‌است. یکی دیگر از دلایلی که نام آن را هفت قلم گذاشته‌اند این است که اجرای حکاکی آن در هفت طبقه صورت گرفته است. این سنگ به خواهش "سلطان حسین بایقرا" در زمان تیموریان در مدت هفت سال با کوشش هنرمندانه‌ی استادان برای بالای قبر سلطان ساخته شد و هر هفته سلطان از استادان با اهدای سکه‌های طلا بازدید می‌کرد که فرزند جوان برومندش به نام "سلطان غریب میرزا"، دعوت حق را لبیک گفت و این سنگ بالای مرقد او گذاشته شد.

همان‌گونه که بیان شد این نام از قبل وجود داشت و استاد هنرمندانه آن را برای عنوان کتابش برگزید. اشاره لطیف به هفت قلم آرایش و ایهامی که در هفت قلم وجود دارد از جنبه‌های خیالی این نام به حساب می‌آیند. ارتباط هفت قلم آرایش با زنان که در این کتاب بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند و تناسب قلم و سنگ هم قابل توجه است که همه بعد احساسی و تخیلی این ترکیب را قوی‌تر می‌کنند. گویا گاهی نویسنده با بیرون کشیدن عبارتی خاص از دل تاریخ زبان و فرهنگ، قصد دارد این مفاهیم را از گرد خمولی که بر آن‌ها نشسته است، برهاند و البته توانایی و ظرفیت بی‌بدیل زبان فارسی را در خلق عبارات و ترکیبات بدیع نشان دهد.

هشت‌الهی: این مجموعه متضمن نوشته‌ها و روایات متعددی در حوزه فرهنگ، ادب، تاریخ و نظایر آن است که باستانی پاریزی برای نام‌گذاری آن، خطاب به دوستی می‌گوید: یک نام هشت‌الهی برای این کتاب من بگو. سپس خود ناگهان تصمیم می‌گیرد همین نام را برای هشتمین هفتیه یا الهفت خود برگزیند. شیوه‌ی انتخاب این عنوان، خود میدان دادن نویسنده به نیروی ذهن و خیال را، در کنار جلوه‌ی نمکین طنز که در گفتار نویسنده همواره نمود دارد به خوبی نشان می‌دهد و ثابت می‌کند؛ نویسنده به جای چهار چوب‌های استدلالی، آزادی و پرواز حس و خیال را در زندگی و منش هنری خود برگزیده است و این از جمله دلایلی است که منتقدان امروزی او را نویسنده‌ای متمایل به رمانتسیم بدانند. دو مفهوم «الهفت هشتم» و «نسنجیده و بی‌قواره» که از این عنوان برمی‌آید ایهام زیبایی می‌سازد که همراه با تواضع نویسنده، طنزآمیز می‌شود و جذاب‌تر می‌گردد که آن را می‌توان یک هدیان درونی مایه گرفته از احساسات رمانتیک نویسنده دانست. احساسی که می‌تازد و قواعد خاص خود در عین رهایی از قواعد دارد.



ب) عناوین ضرب المثلی: عناوینی است که نویسنده، از ضرب المثل‌های مشهور رسمی و عامیانه به صورت کامل یا بخشی از ضرب المثل برای نام‌گذاری کتاب استفاده کرده‌است. روی آوردن به ضرب المثل که خود نوعی گریز از استدلال‌های عقلی و روی آوردن به حکمت‌ها و باورهای مورد وثوق عامه‌ی مردم است، نوعی نگرش رمانتیک به حساب می‌آید. هرچند که در سیر مکتب رمانتیسم در غرب، تقابلی میان تمثیل و نماد‌گرایی در می‌گیرد و علاقه‌ی بیش از حد رمانتیک‌ها به نماد باعث شد در کاربرد و بیان ویژگی‌های آن دقت بیشتری به کار ببندند و به طور کلی نماد را بر تمثیل ترجیح دهند. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۵۱). بنابراین هر قدر که توجه به باورهای احساسی گذشتگان به جای استدلالات عقلی، این عناوین را رمانتیک می‌کند؛ جنبه‌ی تمثیلی آن‌ها و عادی و معتاد بودن عبارت‌ها از ارزش رمانتیکی آن‌ها می‌کاهد.

۱- شاهنامه آخرش خوش است: این اثر باستانی پاریزی، یادکردی است از شاهنامه پژوهان و فردوسی‌شناسانی که در دوران معاصر به این اثر سترگ و جاودان زبان فارسی پرداخته‌اند. علت رواج این جمله را این می‌داند که در گذشته هر کس شاهنامه می‌خواند و به ستایش سلطان محمود غزنوی می‌رسید، از همت سلطان در تحسین شاهنامه خوش حال می‌شد؛ اما با پایان یافتن شاهنامه و فهمیدن حق ناشناسی سلطان محمود در قبال فردوسی و کتابش، متوجه اشتباه خود می‌شد. این روایت بعدها به ضرب‌المثل تبدیل شد و عاقلان به هر کس که دست به کار نابخردان‌های بزند و اصرار بر ادامه‌ی آن داشته باشد، می‌گویند: «شاهنامه آخرش خوش است». نکته‌ای که به جذابیت این عنوان کمک می‌کند تعبیر متفاوتی است که در جامعه از آن وجود دارد که خود به آن حالتی ایهام‌گونه می‌دهد و آن را میان بیان طنز و جدی در نوسان نگه می‌دارد.

۲- تن آدمی شریف است: در این نوشتار، اعضا و جوارح آدمی را از سر تا قدم موضوع بحث قرار می‌دهد. اول سخن از موی رفت و سپس پیشانی و از آن پس سخن به گوش رسید؛ و البته که این موضوع تازه و بدیع و بی‌سابقه هر چه پیش می‌رود، شیرین‌تر و لطیف‌تر می‌شود. داستانهای پندآموز و طنز آلود این کتاب تحقیقی درباره‌ی مظالم و گرفتاری‌هایی است که بر تک تک اعضای بدن آدمی وارد می‌شود. این عنوان، تضمینی از شعر معروف شیخ اجل سعدی شیرازی است که به صورت ضرب المثل هم بر زبان‌ها جاری است و نگاه نویسنده به این مثل سائر از زاویه دید خلاقانه خود و در مفهومی دیگر است.

۳- نون جو و دوغ گو: این کتاب در احوال کسانی است که در تاریخ به خوردن نان جو از آن‌ها یاد شده است؛ یعنی آن‌هایی که با نان جوین خویش ساخته‌اند و آلوده‌ی منت کسان نشده‌اند. نخست مقاله‌ای بود در یادواره‌ی استاد محیط طباطبایی، که یک سالی معلم او بود؛ بعد‌ها به این مقاله مطالبی اضافه شد و به صورت کتابی مفصل



درآمد. در این کتاب از آنهایی که - خصوصاً در عصر صفوی - ترک دیار گفته و گرفتار مهاجرت اجباری شده‌اند، یادی به میان آمده‌است. این عنوان به تبع ضرب المثلی که از آن استفاده می‌کند، بیانی محاوره‌ای دارد و با حسی قوی تمامی کسانی را که سراغ داریم، به نحوی با امکانات اندک خود سر کرده‌اند و ستم و ذلت را نپذیرفته‌اند در خاطر مجسم می‌کند. دو تعبیر کنایی نون جو و دوغ گو که از سویی ریشه‌ی تاریخی- فرهنگی دارد و از جهتی بین کنایه‌ای گویا و مجازی لطیف در نوسان است؛ بار تخیلی عنوان را قوی تر کرده است.

۴- از سیر تا پیاز: کتابی جامع و کامل در رابطه با تاریخ کرمان و شهرهای اطراف و کویری آن است و به واسطه‌ی فصل سبزه کتاب (بیرجند کجا می‌روی) به سفرنامه بیرجند هم شهرت دارد. گویا از قدیم تا به امروز هیچ چیز از قلم نیفتاده. از رابطه‌ی مردم آبادی‌ها با یکدیگر و چگونگی ارتباطات اقتصادی و تجاریشان گرفته تا رسم و رسومات متداول و گاه غیرمعمول. قلم نویسنده با این که گاهی حاشیه‌ها را چنان به تفصیل بیان می‌کند که از اصل ماجرا دور می‌شود؛ اما در نهایت اطلاعات ارزشمندی برای خواننده دارد. این عنوان کنایی از گذشته‌های دور تا امروز در نقاط مختلف کشور بر سر زبان‌ها بوده و برای همه آشناست؛ ولی در عین حال برای هر موضوع خاصی که به کار می‌رود جذابیت خاص خود را دارد و این امکان را می‌یابد که از کهنگی خود فاصله بگیرد و در لباسی نو، زیبا و جذاب به نظر آید. استدلال خود نویسنده در مورد این نام این گونه آمده است: «با این که پیاز را معمولاً به بوی بد و سیر، برادرش را به بوی بدتر از آن شهره ساخته و می‌شناسند، با همه این‌ها همچنان که گفتیم، دنیا از سیر و پیاز پیش پا افتاده، هیچوقت بی نیاز نیست.» (باستانی پاریزی، ۱۳۹۸: ۱۱)

۵- ماه و خورشید فلک: موضوع کتاب، تأثیر عوامل جغرافیایی بر تاریخ است که بسیار مفصل به این مقوله پرداخته شده‌است. اما عنوان را مانند تن آدمی شریف است، از سخن سعدی شیرازی می‌گیرد. این جا هم به جای کل بیت که امروز کارکرد ضرب المثلی یافته است، فقط از پاره‌ای از آن استفاده می‌کند که البته این بار با محتوای کتاب هم بسیار تناسب دارد. تناسبی که در سه واژه‌ی ماه و خورشید و فلک وجود دارد از جهت آرایش بدیعی قابل توجه است و همه‌ی باورهایی که پشت این واژه‌ها نهفته است؛ ناگاه به ذهن هجوم می‌آورد و در قالب سخن سعدی قابل تفسیر می‌شود. این که چرا نویسنده دو واژه‌ی کلیدی ابر و باد را با همه‌ی نقشی که می‌توانست در شمول بیشتر نام کتاب بر محتوای آن داشته باشد، نیاورده است؛ سوالی است که پاسخی برای آن پیدا نشد، جز این که ذهن سیال و خلاق باستانی پاریزی است و با آزادی عمل، آنچه را بخواهد می‌آفریند و آفریده‌ها را خاص می‌کند و چه بسا به جای پیروی از قواعد معهود، خود قواعد جدیدی ابداع می‌کند.

۶- در شهر نی سواران: بخشی از ضرب المثل معروف «در شهر نی سواران باید سوار نی شد» است و نویسنده، تلاش نموده تا برخی از مسائل تاریخی را به شکلی طنزوار با آن چه امروز اتفاق می‌افتد، مطابقت دهد و از این



پنجره، هم خواننده را با اتفاقات تاریخی آشنا کند، هم وجه اشتراک این اتفاقات را در جامعه‌ی امروز برجسته کند و هم اوقات مفرحی را برای خواننده، حین خواندن این کتاب رقم بزند. اوبا تصاویری که از نویسندگان معروف ایران و برخی از مهمترین چهره‌های تاریخی ارائه می‌دهد، روایت‌های کتاب را پیش می‌برد و خواننده را در مسیری فرح‌بخش، همراهی می‌کند. مقدمه‌ی نخست کتاب "در شهر نی سواران"، کودتای مخملی نام گرفته و در نخستین مطلب از این کتاب، مسئله‌ی بقای الهی و ظهور بررسی شده است؛ سپس مطالبی در ارتباط با مدیریت مجله دانشکده و مقدمه‌ای بر کتاب یکی از نویسندگان می‌آید و در ادامه با نگاه به شعر حافظ، ساقی نامه‌ی شاه منصور را نیز بررسی می‌کند. وی از استادش عباس اقبال نیز می‌گوید و در مطلبی هم‌نام با عنوان کتاب که "در شهر نی سواران" نام دارد، به زادگاهش کرمان نیز می‌پردازد و در سراسر این مباحث متنوع و گاه مفرح، بیشتر در دامن تخیل و خلاقیت سیر می‌کند تا حساب و کتاب های عقلی و منطقی.

۷- کاسه کوزه تمدن: کتاب، متضمن نوشته‌های پراکنده‌ی باستانی پاریزی است که عمدتاً به گونه‌ی خاطرات، روایتی جدید از وقایع تاریخی، توصیف بناها و شخصیت‌ها را شامل می‌شود. مطالب کتاب که گاه به طنز می‌گراید با یک مقدمه و هفت عنوان فراهم می‌آید که عبارت‌اند از: چند نکته مهندسی به روایت تاریخ، سفینه‌ی هندی، داعیه‌داری، پیش‌قلیانی کوی دانشگاه، تاریخ و داستان‌هایی از آن، تاریخ و کنگره‌ی تاریخ و کاسه کوزه تمدن؛ که برای نام این کتاب، عنوان همین بخش پایانی که خود عبارتی آشنا و در عین حال در این جا گسترده تر و مبهم تر از مفهوم آشنای آن مورد نظر بوده، آمده است. جدا کردن بخشی از یک گزاره یا مثل معروف دامنه معنایی آن را وسیع تر می‌کند و آن را وارد فضایی ناشناخته با امکان جولان بیشتر خیال می‌کند. این شگرد خاص باستانی پاریزی است که در عنوان گزینی زیاد از آن استفاده می‌کند و چه بسیار که مفهوم معهود، مورد نظر او نیست. در مورد این نام می‌گوید: «سبوی تمدن بشریت، سنگ آن در خود تمدن بشریت نهفته است. بنا براین کوزه تمدن بشریت همیشه شکننده بوده است». (همان، ۱۳۸۰: ۳۴۲)

۸- پوست پلنگ: نظر خود نویسنده در مورد این نام این است که:

من با نام پلنگ ناآشنا نبودم، و از کودکی در ده خودمان هم شنیده بودم که پلنگ بسیار خودخواه و بلندی جوی است، و هرگز نمی‌تولند از خود بالاتری را ببینند. به همین دلیل، شبهای مهتابی که ماه را بالاتر از خود می‌بیند، خود را به بالای کوه می‌کشد تا مهتاب را شکار کند و تا قدرت دارد بالای قله می‌رود و می‌دود و ناگهان به طرف ماه حمله می‌کند و البته از کوه پرتاب می‌شود که بسا با مرگ او همراه باشد... (همان، ۱۳۹۳: ۱۷)

۹- گرگ پالان دیده، گرگ بالان دیده: گرگی که دام‌ها و گرفتاری‌های زیادی را تجربه کرده است. گرگ باران دیده؛ یعنی آزموده‌کار و گرم و سرد روزگار دیده. (غیاث اللغات: ذیل گرگ)



ظاهر آن است که گرگ بچه از باران می‌ترسد و در وقت باران از سوراخ خود بیرون نمی‌آید هر چند گرسنه و تشنه باشد؛ اما چون گرگی بیرون خانه خود باشد و از اتفاقات او را باران درگیرد و ببیند از او آفتی و ضرری نمی‌رسد، بار دیگر دلیر می‌شود و از باران خائف نمی‌گردد، و این کنایه از مردم آزموده کار و گرم و سرد عالم چشیده است و در محل ذم مستعمل است. (دهخدا: ذیل گرگ)

صائب تبریزی در بیت زیر همین مفهوم را در نظر دارد:

نیست دیگر از زر قلبی که در کارش کنند یوسف بی طالع ما گرگ باران دیده است

(صائب، ۱۳۶۵: ۵۸۷)

این اثر مصوّر، دربردارنده هفت مقاله است. مقالات، در موضوعات مختلف و با محوریت فرهنگ و تاریخ ایران نگاشته شده است. زبان نگارش این مقالات، ساده، روان و صمیمی است و حاوی خاطرات و دانسته‌ها و تجربیات نویسنده است. خاطراتی از خانواده‌ی «فرمانفرما» در زمان حکومت پهلوی، واقعه جمع آوری قلیان‌ها، سخنانی پیرامون شاعران فارسی، ادیب نیشابوری، حافظ، سعدی و... . خاطراتی از قمرالملوک وزیری و تاج اصفهانی، از جمله مطالب گردآوری شده در این اثر است. از اشعار بزرگان ادب فارسی در جای جای مطالب کتاب به چشم می‌خورد. نگارنده، جهت مستدل و مستند شدن گفته‌ها، از تصاویر و اسناد مکتوب نیز بهره جسته است. «گرگ بالان دیده» عنوان یکی از مقالات درج شده در این مجموعه است که نویسنده این مثل سائر را بدون دست‌کاری در جایگاه نام کتاب نشانده است.

ج) عنوانی که برگرفته از حوادث و حکایات تاریخی است و تلمیح دور یا نزدیکی به آن‌ها دارد. دانش عمیق باستانی پارسی از تاریخ ایران و اسلام به او این امکان را می‌دهد که در مورد جریان‌های تاریخی و حتی حکایات مربوط به آن، همواره حاضرالذهن باشد و از عناوین و عباراتی که صبغه‌ی تاریخی دارند ولی توسط اکثر فارسی‌زبانان به بوته‌ی فراموشی سپرده شده، به زیبایی استفاده کند. هم آن جریان تاریخی را با شیرینی خاص خود نقل کند و هم از نکات کلیدی آن نامی برای اثر خود برگزیند که در هر مورد، بیان‌گر ذهن خلاق و پویای نویسنده است. او پلی رنگین میان حوادث تاریخی و گفته‌های خود می‌زند که سرشار از حس و ذوق است و نوعی سیر آفاقی در زمان و تاریخ به حساب می‌آید.

۱- درخت جواهر: این مجموعه حاوی نوشته‌های مختلفی در حوزه تاریخ، فرهنگ، ادب و نظایر آن است. واژه‌ی درخت جواهر برگرفته از این جریان است که: شخصی به نام پیسیوس، هنگام حمله‌ی داریوش به یونان، چناری زرین و تاکی از زر تقدیم داریوش کرد که این زر و تاکی به شوش برده شد و تا زمان حمله‌ی اسکندر نیز آنجا ماند.



خشایار شاه نیز از این شخص درخواست کمک کرد ولی او در قبال تقدیم همه‌ی نقدینه‌ی طلایی که داشت از خشایار شاه خواست یکی از پنج پسرش از خدمت نظام معاف شود. خشایار شاه نپذیرفت و این پسر را دستور داد دو شقه کردند و سپاه از میان دو شقه‌ی بدن او رژه رفتند. (باستانی پاریزی، الف، ۱۳۸۲: ۱۸)

ترکیب درخت جواهر از یک سو تلمیح به این جریان تاریخی دارد و از سوی دیگر مفهوم درختی که می‌تواند بار جواهر بدهد را به ذهن متبادر می‌کند که گونه‌ای آشنایی زدایی است و از سویی استعاره‌ای لطیف برای محتوای کتاب نافع نویسنده است. گذر به بطن تاریخ و انواع شگردهای خیال آفرین و تصویر سازی که در این ترکیب خودنمایی می‌کند، به آن درخششی رمانتیکی می‌دهد.

۲- نوح هزار طوفان: اثر مصور حاضر، در بردارنده‌ی مجموعه مقالات مرتبط با بررسی تاریخ کهن مازندران است. نگارنده در این مقالات، تلاش کرده تا نگاهی بدیع و تازه به تاریخ این منطقه داشته باشد. مطابقت واژگان مازنی با زبان سانسکریت، شباهت نژادی مردم جنوب قفقاز با مردم گیلان و مازندران، منشاء کتاب «کلیله و دمنه»، مکان کوه «اسپیروز»، بررسی مطابقت شعرها و ترانه‌های مازنی با عروض شعر سانسکریت، از جمله موضوعات بدیع و متفاوتی هستند که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. عنوان کتاب با توجه به داستان نوح پیامبر و طوفان نوح ساخته شده که با افزودن عدد هزار، مفهوم به سوی فضایی مبهم و بی‌نهایت سوق داده شده است. اغراق و استعاره‌ی مشهود در این عنوان نیز، خیال انگیزی عنوان را مضاعف کرده است و مفهومی شگفت‌تر، گسترده‌تر و فراگیرتر از طوفان عظیم نوح را در عالم وهم و خیال می‌آفریند.

۳- آفتابه‌ی زرین فرشتگان: در این کتاب سعی شده است تصویری هرچند کلی و مختصر از تاریخ ایران عرضه شود و برخی از مشاهیر آن معرفی گردد. پاره‌ای از عناوین کتاب عبارت‌اند از: آق قویونلو، آل محتاج، ابوالفرج اصفهانی، ادیب‌الممالک فراهانی، اقبال آشتیانی، ایرج‌میرزا، بنی‌عباس، خواجه‌نصیرالدین طوسی، دولت‌ها و نخست‌وزیران ایران، ساسانیان، سهروردی، صائب تبریزی، علویان طبرستان، غزالی، کمال‌الملک، مشیرالسلطنه، نهضت مشروطیت، و وزرای خارجه‌ی ایران.

اما عنوان شگفت‌انگیز و پرتصویر آفتابه‌ی زرین فرشتگان، برگرفته از حکایت کوتاهی در فصلی با همین نام از این کتاب است و حکایت مربوط می‌شود به حنظله که در غزوه‌ی احد، صبح عروسی به میدان شتافت و به شهادت رسید. تازه عروس که بسیار نگران از شهادت بدون غسل همسر بود، مسئله شهادت و جنابت او را از پیامبر اکرم (ص) پرسید و ایشان فرمود: فرشتگان قطرات باران را از ابرها می‌گرفتند و با آفتابه‌ی زرین بر جسد حنظله



می‌ریختند و او را غسل می‌دادند و به این سبب این تازه داماد شهید، غسل الملائکه نام گرفت. (همان، ۱۴۰۰: ۳۶۵)

فقط ذهن باریک بین و ورز خورده در مطالعات عمیق تاریخی باستانی است که می‌تواند چنین عبارتی را از گذشته‌های دور صید کند. کلمات این اتفاق روحانی را با مهارت کنار هم قرار دهد و ترکیبی پر رمز و راز بسازد که در نگاه نخست رمز گشایی از آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد. زیرا هیچ ذهن فعالی در نگاه نخست نمی‌تواند نسبتی بین آفتابه و فرشته بیابد و سرانجام هم اشاره‌ی خود نویسنده گره‌گشای درک این مفهوم گردید. بازگشت به اتفاقی اسرار آمیز در گذشته‌های دور، در کنار حس و عاطفه‌ی قوی حاکم بر فضای این روایت و نسبت آفتابه‌ی طلایی به فرشتگان که خود نیز از اسرار سر به مهر هستی هستند، این عنوان را رمز آلود می‌کند و در سرگردانی و واماندگی خرد انسان، علم شهودی پیامبر اکرم (ص) گره گشایی می‌کند و فضای این داستان و این عبارت بسیار رمانتیک می‌گردد.

۴- کلاه گوشه‌نوشین روان: این کتاب، مجموعه‌ای از مقالات و نوشته‌های ادبی، اجتماعی و تاریخی باستانی پاریزی است. مقالاتی که با موضوعات گوناگون به شیوه‌ی مالوف او، با زبانی طنزآمیز و سرشار از مزاح و شوخ طبعی نوشته شده‌اند. سرفصل‌های کتاب عبارتند از: «قباله‌های هزار ساله»، «وزیر ملک سلیمان»، «با من به مونت کارلو بیایید»، «وای بر مغلوب»، «عمر استادی کوتاه است» و «کلاه گوشه‌نوشین روان مغ» که نام همین بخش به کل کتاب نیز داده شده. روشی که باستانی پاریزی بدون دغدغه به فراوانی از آن استفاده می‌کند و این که این نام ممکن است ارتباطی با سایر بخش‌های کتاب نداشته باشد، ابداع مهم شمرده نمی‌شود. عبارت کلاه گوشه، هم به سبب کاربرد در زبان مردم و حتی غزل حافظ، آشناست و هم در اینجا با نشست کنار نام نوشیروان ذهن را به چالشی آن سوی تاریخ فرا می‌خواند.

۵- مار در بتکده‌ی کهنه: مجموعه‌ای از مقالات تاریخی باستانی پاریزی با روش مالوف وی است. نویسنده، در صفحه ۴۳۰ همین کتاب، این بیت شعر "نوری اصفهانی"، شاعر کم اثر و خوش سخن انتهای قرن دهم را نقل می‌کند:

چون بتکده‌ی کهنه، به نزدیکی کعبه گویا که خدا خواسته کآباد نگردیم

نویسنده ضمن این که شهر خودش، کرمان را به بتکده‌ی همیشه‌ویران حوالی مکه تشبیه می‌کند، می‌گوید:



این بتکده‌ی کهنه، در طول تاریخ، چنان به نظر می‌رسد که مقدر بوده هیچ‌وقت آبادان نشود... و «مار» در این بتکده‌ی کهنه نیز، چیزی نیست جز زهر شکرآلود سیاست. در سالی که زهر سیاست، همچون مار، همچنان در رگ‌های زمان خواهد خزید، گمان نمی‌کنم که کام مردمان ما شیرین شود... من بیش از این نمی‌گویم؛ اما «اهل ختا و ختن، چنان دانند که چون سال مار درآید، برد و سرما بسیار بود، و درین سال میوه کمتر باشد، و درختان را آفت رسد، و خزندگان بسیار شوند، و مردم در پی جمع اموال و دفینه برآیند، و قراردادهای بی‌اصل بود، و بیماری چشم در اطفال و مشایخ بهم رسد، و سود معادن و مخازن بسیار شود، و توالد بسیار بود، و هر مولودی که در اول سال به دنیا آید خوشرو و مدبر و دانا بود و ...» (همان، ۱۳۶۸: ۴۳۰)

به این تعبیر بتکده‌ی کهنه استعاره از کرمان، شهر باستانی مولد نویسنده است که گرفتار تنگنای معیشتی است و گویا بنا به باور قدما باید زیستگاه مار باقی بماند. خود نویسنده مار را در این عنوان به زهر شکر آلود سیاست تعبیر می‌کند که خود استعاره‌ی دیگری است و از تشبیه سیاست به مار حاصل می‌آید و تلمیح لطیفی به جریان شکایت رعیت به غازان خان و تغییر تعداد ماههای سال و برگشت به نام‌های حیوانی دارد. (همان) بنابراین معنی روان این عنوان سال مار در شهر کرمان خواهد بود که با تصویرگری‌ها و تخیلات دور و دراز و گاهی مبهم و دور از ذهن به صورت مار در بتکده‌ی کهنه درآمده است و به خوبی یکی از شگردهای عنوان‌سازی نویسنده، یعنی جانشینی اجزای یک عنوان ساده و رسا با عبارات خیال‌انگیز، ابهام آلود و چند صدا را نشان می‌دهد که هم‌نشینی آن‌ها فضایی فوق تصور را می‌آفریند.

۶- وادی هفت واد: داستان کرم هفت واد در شاهنامه فردوسی چنین آمده است که در شهر کجاران مردی بود مشهور به هفتواد، زیرا هفت پسر و یک دختر داشت؛ دختران آن شهر هرروز به کوهساری که در کنار شهر بود، می‌رفتند و دوک می‌رشتند. دختر هفتواد روزی در راه بازگشت سیبی یافت و کرمی میان آن دید و آن را میان دوکدان نهاد و با نام خداوند و بطالع کرم سیب، رشتن آغاز کرد و آن روز دو برابر روزهای دیگر رشت. هر روز مقداری سیب به آن کرم می‌داد و به طالع وی نخ می‌رشت. مادر و پدر، با خبر یافتن از ماجرا، به خدمت کرم همت گماردند. کرم بالید و بسیار بزرگ شد. سرداران زیادی به جنگ هفت واد رفتند و به طالع این کرم همه شکست خوردند تا این که سرانجام اردشیر بابکان به تخت نشست. به جنگ هفت واد آمد و او را نابود کرد. (رک: فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۴۷۵)

وادی هفت واد، بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان است که نویسنده جهت القای حس دشواری‌ها و عجایب تاریخی این خطه، این نام را برگزیده است. عدد هفت و فضای انبوه اشارات تاریخی و فرهنگی پشت آن از سوی ترکیب هفت واد که ناگزیر هفت وادی و هفت خان و هفت گام دشوار عشق را به یاد می‌آورد از سوی



دیگر و این که در نهایت استعاره‌ی لطیفی از کرمان است، همه از زیبایی‌ها و تخیل آفرینی این ترکیب حکایت دارد.

د) عنوان‌های با پسوند استان: سه کتاب باستانی پاریزی که عنوان آن‌ها بسیار نزدیک به هم است و از یکدیگر الهام گرفته‌است و هر سه به پسوند استان ختم می‌شوند. این عنوان‌سازی علاوه بر این که جایگاه فراموش شده‌ی پسوند‌ها را در عنوان‌سازی به خوبی نشان می‌دهد ثابت می‌کند با کمترین واژه‌ها می‌توان عناوینی زیبا و جذاب ساخت. هر چند که از دیدگاه مورد بررسی ما، این سه عنوان حاوی ویژگی‌های قابل توجهی نیستند. در هزارستان همان مفهوم بی‌نهایتی که در عدد هزار وجود دارد و در حصیرستان بدیع و خیال‌انگیز بودن عنوان، وجه برجسته‌ی آن‌ها است.

۱- حضورستان: حضورستان که سفرنامه‌ی باستانی به قزاقستان است و در مقاله‌ی اصلی آن حضور فرهنگ ایرانی در کشورهای آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان بررسی می‌شود.

۲- هزارستان: با موضوع عدد هزار و کاربرد‌های اغراق آمیز آن با همان شیوه‌ی جذاب و همراه با طنز استاد باستانی گوش نواز و چشم نواز است.

۳- حصیرستان: باستانی پاریزی خود می‌گوید: «در میان نام‌های عجیب و غریبی که بعضی کتاب‌های من دارد. این یکی؛ یعنی حصیرستان شاید از همه عجیب‌تر و دور از ذهن‌تر بیاید؛ اما چرا حصیرستان؟ من یک کتاب دارم به نام حضورستان که سفرنامه‌ی من به قزاقستان است و در مقاله‌ی اصلی آن خواسته‌ام حضور فرهنگ ایرانی را در کشورهای آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و امثال آن‌ها که همه پسوند «ستان» دارند، ثابت کنم و از این مفهوم ترکیب حضورستان به ذهنم رسید که البته در شعر شعرای قدیم نیز، ظاهراً یک بار و احتمالاً تنها یک بار به کار برده شده است. آن‌جا که میررضی الدین آرتیمانی، شاعر اهل آرتیمان از دهات حومه‌ی تویسرکان آن را به کار برده و می‌گوید:

غافل منشین که خوش حضورستانی است
هر جا میرد چراغ گورستانی است

این وادی عشق طرفه شورستانی است
هر دل که در او داغ بتی شعله فروخت

(باستانی پاریزی، ۱۳۹۸: ۱۰۰)



و انسان پس از خروج از جنگل و گوشت خواری و پرداختن به گیاه خواری و کشاورزی؛ به جای خفتن بر پوست حیوانات، از الیاف بافته برای زیرانداز و روانداز استفاده کرد و این حصیر مدت‌ها، فریادرس او در برابر سرما و رطوبت بود. (همان: ۱۱)

ه) مکان‌ها:

۱- از پاریز تا پاریس: باستانی پاریزی خاطرات مسافرت به اروپای خود را (فرصت مطالعاتی) در مجلات «وحید» و «یغما» منتشر کرد، که بعد از مدتی به صورت کتاب «از پاریز تا پاریس»، با آن نثر درخشان و جذاب درآمد. در این عنوان شباهت آوایی پاریز و پاریس و موسیقی حروف و جناسی که ایجاد شده است قابل توجه است.

۲- بارگاه خانقاه در کویر هفت‌کاسه: این مجموعه مشتمل بر نوشته‌های مختلف، حکایات، خاطرات، و مسائل گوناگون تاریخی با موضوع عرفان و عارفان که با ذکر لطایفی چند فراهم آمده است. وی در مورد این کتاب می‌گوید: «در لیدن در کنگره‌ی شاه نعمت‌الله ولی شرکت کردم و در آن جا در باره‌ی کیفیت اداره‌ی شاه نعمت‌الله ولی، طی ۶۰۰ سال مطالبی به زبان آوردم که در کتاب بارگاه خانقاه چاپ شده است.» (دهباشی، ۱۳۹۳: ۲۴)

۳- پیر سبزپوشان: پیر غیب، پیر مراد و پیر سبزپوشان آرامگاه سه پیر در گبرمحلله‌ی کرمان است. که نویسنده نام یکی از آن‌ها را برای این کتاب خود برگزیده است.

و) عناوین حاصل ترکیب سازی:

۱- پیغمبر دزدان: شیخ محمدحسن زیدآبادی، یا در برخی منابع، شیخ محمدحسن سیرجانی کرمانی، متخلص به قارانی و مشهور به نبی السارقین (۱۳۱۰-۱۲۳۰ ه.ق) شاعر، نویسنده، طنزپرداز و روحانی ایرانی و از معاریف عصر قاجار بود. وی در بهبود و اصلاح اوضاع زمان خویش، تلاش بسیار کرد و با نامه‌های مطایبه آمیز و سرشار از اشعار لطیف و در عین حال گزنده، خطاب به حکام و افراد مهم و مؤثر دوران خویش، آنان را به عدالت و دادگری و دوری از بیداد و ستم، فرامی‌خواند. غرض وی از انتخاب لقب "نبی السارقین" برای خویش و استفاده از این لقب در اشعار و نوشته‌های خود، آن بود که با بیان شوخ طبعانه خویش، در ظاهر دزدان بیابانی و سرگردنه و راهزنان صحراگرد و کوه‌نشین، و در باطن و لقایه، تمامی دزدان و غارتگران اموال عمومی و به خصوص حکام و زمامداران ستمگر را، به کردار زشت و جهنمی شان متنبه سازد و با گفتار و لحن دلپسند آن زمان، آنها را از روش بدشان بازدارد. مجموعه آثار و نامه‌های او، به همراه مختصری از شرح حالش در این کتاب توسط محمدابراهیم باستانی پاریزی در کرمان به چاپ رسید. باستانی پاریزی عنوان نبی‌السارقین را به فارسی ترجمه کرد و برای کتاب خود برگزید که بیان‌گر



محتوای این کتاب نیز هست. از طرفی واژه ی پیغمبر دزدان، در زبان و فرهنگ فارسی واژه‌ای بدیع است و با توجه به پارادوکسی که در آن وجود دارد جذابیت خاصی ایجاد می‌کند که ذهن خواننده را در اولین مراجعه به تکاپو وامی‌دارد تا چه ارتباطی بین واژه پیامبر و مضاف الیه سارق قابل تصور است. می‌کوشد معمای عنوان را باز گشایی کند و بفهمد غرض این عبارت چیست. طنز ملایمی هم که در این عنوان جاری است به جذابیت آن کمک می‌کند.

۲- تلاش آزادی: در این کتاب، مولف کوشیده است در خلال شرح زندگی "حسن پیرنیا"، مشیرالدوله - دولتمرد عصر مشروطه - در حقیقت پنجاه سال تلاش ملت ایران برای آزادی و مشروطیت را بازگو نماید. این شرح احوال، بهانه‌ای بود برای بررسی سی‌چهل سال از تاریخ معاصر ایران. «تلاش آزادی» تاریخچه‌ای است از مشروطیت تا سقوط قاجار، که ابتدا به عنوان مقدمه‌ی کتاب «ایران باستان» نوشته‌ی پیرنیا چاپ گردید؛ سپس به صورت جداگانه چاپ شد. نویسنده با حذف حرف اضافه «برای» ترکیب «تلاش برای آزادی» را به صورت «تلاش آزادی» در آورده است. این تغییر، عبارت فوق را سوال برانگیز و خیالی کرده است و جلوه و نمایی تازه و رمانتیک به آن می‌دهد. تشخیصی ضمنی را گوشزد می‌کند و طنزی لطیف را به جریان می‌اندازد؛ چنان که گویا آزادی، خود برای آزادی در تلاش است.

۳- حماسه‌ی کویر: حماسه‌ی کویر متن اضافه شده‌ی یک سخنرانی درباره‌ی «قائم مقام» بود که به صورت کتابی هشتصد صفحه‌ای در آمد. این مجموعه متضمن نوشته‌ها و روایات متعددی است در حوزه فرهنگ، ادب، تاریخ و نظایر آن که گاه به شیوه طنز می‌گراید. باستانی پاریزی در مقدمه‌ی چاپ جدید کتاب می‌گوید:

تری که من در حماسه‌ی کویر نشان داده بودم، مسئله‌ی اهمیت روستا و مقام آن در اقتصاد و سیاست و فرهنگ ایران بود و این که این فرهنگ و هویت بعد از مشروطه مورد تمسخر و بی‌اعتنایی و توهین قرار گرفته بود. براساس فلسفه "توین بی" که می‌گوید: هر تحول یا انقلابی نتیجه توهین به فرهنگ و اصول اعتقادی و هویت یک تمدن است، انتظار عکس‌العملی می‌رفت. من در کتاب خود پیش‌بینی کرده بودم که بی‌گمان، سی‌چهل سال دیگر معجزه دهات دوباره عیان خواهد شد. از آن که نظام دو هزار و پانصد ساله حکومتی ایران براساس اقتصاد ده و نوع پراکندگی دهات در بیابانها و کویرهای بی‌سر و بن ایران نهاده شده — و اگر این نظام دگرگون شود — تحول بزرگ قطعی است. «باستانی پاریزی، ج، ۱۳۸۲: ۲۳»

۴- جامع المقدمات: باستانی پاریزی کلیه‌ی مقدمه‌هایی را که برای کتاب‌های دیگر نوشته است، در یک مجموعه جمع کرده و تحت عنوان «جامع المقدمات» به چاپ رسانده است. جمع بستن مقدمه به سبک مونث عربی برای هم صدا شدن با واژه‌ی جامع ترکیبی ساخته که بیش از هر چیز ذهن را به سمت کتاب «جامع المقدمات»



معروف مدارس دینی می‌برد و نوعی آشنایی زدایی از این عبارت شده است. آن‌چه در اولین نگاه به این عنوان به ذهن می‌آید البته که مجموعه‌ای از مقدمه‌ها نخواهد بود؛ ولی وقتی به سراغ متن می‌رویم دقیقاً همین معنی عرضه می‌شود و این ابهام و غافلگیری عنوان‌ها، شگرد مورد علاقه نویسنده است.

۵- فرمانفرمای عالم: این کتاب خاطرات ناصرالدوله عبدالحمید میرزا، بانی باغ شاهزاده‌ی ماهان و عبدالحسین میرزا سالار لشکر فرمانفرما است. این‌جا هم، مضاف الیه «عالم» ذهن را از شخص فرمانفرما منحرف می‌کند و در متن دوباره به او بازمی‌گرداند و این بازی با واژه‌ها، زیبایی و لطافت خاص خود را دارد.

۶- سایه‌های کنگره: گزارش و خاطرات باستانی پاریزی از کنگره‌ی شرق شناسی تورنتو است. (همان، ۱۳۷۰: ۴۸) اولین مفهومی که از این ترکیب به ذهن می‌آید سایه‌های کنگره‌ی قصر است در حالی که نویسنده کنگره را در معنای جدید و امروزی آن به کار گرفته و با استعاره مکنیه برای آن سایه‌های کنگره‌ی قصر، که بسیار به ذهن نزدیک‌تر است را به عاریت گرفته است که پس از پی بردن به مفهوم، تخیلی بودن آن نمود پیدا می‌کند که همان شگرد معروف نویسنده؛ یعنی غافل‌گیری و بازی با واژگان است. شگردی که تسلط عمیق باستانی بر واژگان زبان فارسی و سیر تاریخی آن‌ها و حتی گونه‌های زبانی، برای او ساده و کم‌زحمت است. انبوه واژگان رنگارنگی که در آستین دارد، کاملاً رام او هستند و با حضور ذهن و تیزبینی، هر صورتی را که بخواهد، ایجاد می‌کند.

۷- بازیگران کاخ سبز: شامل یادداشت‌هایی با موضوعات مختلف است. دو یادداشت درباره‌ی تربیت، معلمان و مربیان و محیط‌های دانشجویی، بخصوص خوابگاه‌هاست. مدرسه، دانشگاه و ساخت خوابگاه برای دانشجویان از مسائل کلیدی این مقالات است. عنوان کتاب در واقع نام داستانی از "اسماعیل حقی" به زبان عربی است که نویسنده‌ی کتاب، آن را سال‌ها پیش به فارسی ترجمه کرده است و این‌جا ترجمه آن عنوان را برای این مجموعه یادداشت به عاریت می‌گیرد و گویا قصد دارد در این بی‌مناسبتی، تناسبی بین عنوان و محتوای کتاب برقرار کند. چیزی که اگر نشد هم فدای زیبایی و جذابیت عنوان تولیدی او.

۸- شمعی در طوفان: این کتاب مجموعه‌ای از نوشته‌های مختلف باستانی پاریزی است که با این عناوین فراهم آمده‌است: زنده زاینده رود (یادواره امیر قلی امینی)، بینوایان در وطن غریب، معادله سه مجهولی، برزکوه فردوسی و تم هزار مردی، همزیستی در گهواره، گندم‌زار هویت ایرانی و ترجمه مقاله بینوایان (به زبان فرانسه). برای مثال، نویسنده در مقاله گندم‌زار هویت ایرانی تصریح می‌کند: «در پهنه‌ی تاریخ ایران یک عامل کارساز هست که هیچ‌گاه خود را نشان نداده‌است و همیشه بوده‌است و همیشه هست. این عامل همان دستی است که گهواره‌ی این قوم را که نام بردیم و میلیون‌ها مردم دیگری را که نام برده نمی‌شوند، تکان داده است. نصف مردم مملکت ما که زنان



باشند، در مقاطع حساس تاریخ، هویت ایرانی را مستدام نگاه داشته‌اند. و این دقیقه‌ای است که امروز هم چشم امید ایرانیان مقیم خارج کشور هم، در مورد نسل دوم و سومی که به دنیا می‌آیند، از جهت هویت ایرانی، به همین طبقه؛ یعنی زنان — که فداکاری بسیار کرده‌اند — دوخته شده است. گندم‌زار هویت ایرانی در مقابل طوفان‌ها خم می‌شود و گاهی هم سطح زمین هم خم می‌شود، ولی اندکی بعد که طوفان فرونشست، باز در برابر آفتاب حیات بخش، جان تازه می‌کند و ساقه می‌افرازد و خوشه می‌کند و خرمن می‌بخشد». (همان، ب، ۱۳۹۹: ۱۲)

به این ترتیب مراد از این عنوان همان فرهنگ و تمدن ایرانی است که چون شمعی در برابر طوفان‌های متعدد کماکان روشن مانده و بلید آن را حفظ کرد. شمع در این عنوان استعاره از فرهنگ ملی و طوفان، حوادث و ناملایماتی که آن را تهدید می‌کند و مجموع این دو کلمه‌ی ساده، تصویری زیبا آفریده است که در ادبیات ما بی‌سابقه هم نیست. هریک از عناوین فصل‌ها و بخش‌های این کتاب نیز در نوع خود با کشش مرموزی، خواننده را به سوی خود می‌خوانند تا سری از راز درونی آن‌ها درآورد.

۹- خود مشمت مالی: خود مشمت مالی، یکی از کارهای متفاوت باستانی پاریزی است که موضوع آن «روش تحقیق تاریخ» است. در بخشی از این کتاب، استاد در حین نقد آثار خود، نکاتی راجع به روش تحقیق تاریخ یادآور می‌شود و به ما می‌آموزاند. او صریح و بی‌پرده بیان می‌کند که در کتب و مقالات خود کجاها اشتباه کرده است. به همین سادگی. بنابراین، خود مشمت مالی در این عنوان در معنی خود انتقادی به کار رفته است که بسیار بدیع و منحصر به فرد است و به جای راهنمایی سراسر است محتوای کتاب، ما را در فضایی تردید آمیز و مبهم فرو می‌برد که خواندن متن راهگشای رفع این ابهام است. خود مشمت مالی نسبت به خود انتقادی مفهوم پویاتر، سازنده تر و صادقانه‌تری دارد و گویا نویسنده هنگام نقد خود، حس افرادی را دارد که زیر دست دلاک‌های حمام گنجعلی‌خان ورز داده می‌شوند. عرقی بر جبین می‌نشینند و چرک و ناپاکی‌ها زدوده می‌شود. البته هدف ارزشمندی که پشت این مشمت و مال پنهان است؛ تبیین روش‌های نوین و درست تاریخ نگاری و پژوهش‌های تاریخی بویژه برای نوآموزان این فن است. (باستانی راد، ۱۳۷۸: ۱۱)

۱۰- محبوب سیاه و طوطی سبزی: کتاب حاضر حاوی مجموعه مقاله‌ها و یادداشت‌های پراکنده‌ای است که در روزنامه‌ها و مجله‌های مختلف منتشر شده‌اند و با این مضامین فراهم آمده‌اند: نگاهی به تاریخ، چند حرف درباره شناخت، هنر و ادبیات، سه مقاله درباره دستور زبان، دیدار از روستاها و نیشخندها و ریشخندها. حال این نام که دقیقاً بیان‌گر تصویر روی جلد؛ یعنی مواجهه پسرک سیاه‌پوست و ملنگوی سبز است، به چه قرینه‌ای انتخاب شده، کاملاً مبهم است. نویسنده در بخشی از کتاب آورده:



در میان آن همه کالا که از هند به ایران وارد می‌شده‌است و یا بالعکس از ایران به هند می‌رفته‌است که این خود فهرستی طولانی دارد؛ یک حیوان ناطق هم هست که البته این حیوان، انسان نیست ولی ناطق است و آن همان طوطی سبزرنگ، پرنده خوش کلام خوش قواره ای است که در تمام طول تاریخ، هدیه‌ی هند برای ثروتمندان ایران بوده و یک عامل پرتاثیر فرهنگی به حساب می‌آمده‌است. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۴: ۱۶۱)

۱۱- گذار زن از گذار تاریخ: باستانی پاریزی در این کتاب، با استفاده از گزارش‌های تاریخی و شواهد و اشارات مختلف، تلاش کرده‌است، نقش و عملکرد زن در تاریخ ایران را بررسی کند و بعلاوه به ارزیابی و گزارش سرگذشت زنان مشهوری چون "ترکان خاتون" و "بغداد خاتون" بپردازد. نویسنده همچنین به جنبه‌ها و جلوه‌های دیگری از حضور زن در تاریخ نیز توجه کرده‌است؛ برای مثال از نقش همسر فردوسی در سرودن شاهنامه، نقش زن در شاهنامه و زن در اساطیر گرفته تا زنان سیاست‌مدار دنیا در دوران معاصر را مورد توجه قرار داده‌است. کتاب در مجموع گزارش و برداشتی از جنبه‌های مختلف حضور زن در تاریخ است. نقش و حضوری که ظاهراً به نظر می‌رسد کم‌رنگ بوده؛ اما نویسنده‌ی کتاب با موشکافی در منابع، حضور و نقش زن ایرانی را در مراحل مختلف تاریخی پررنگ نشان داده است. حال تاریخ به عنوان یک گذار یا مانع گذر چقدر اجازه‌ی طرح مسائل زنان را داده است، مفهوم نام این کتاب است. واژه‌ی گذار که هویت باستانی خود را در گویش‌های محلی حفظ کرده است با گذار جناس و آهنگ زیبایی ساخته است و واج آرایبی به آهنگین تر شدن عنوان در کنار وزن گوشنواز کل عبارت، کمک کرده است.

۱۲- هواخوری در باغ با گوهر شب چراغ: در یادداشت ابتدای این کتاب مشخص می‌شود، این باغی را که برای هواخوری انتخاب کرده، باغی کهن در قریه‌ی پاژ است و با تردید گمان دارد؛ فردوسی شاهنامه را در چنین باغی سروده‌باشد. عنوان کتاب بر عکس بقیه‌ی عناوین قدری طولانی‌تر است و جز بیان استعاری، گوهر شب چراغ، جلوه‌ای از تخیل در آن دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

آثار محمد ابراهیم باستانی پاریزی را از جهت گزینش عنوان به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. نخست آثار تاریخی او که نام آن‌ها به دور از تخیلات و تصویرگری است و تلاش نویسنده این بوده است که نام؛ ساده، روان، کوتاه و مبین موضوع و محتوای کتاب باشد. نظیر تاریخ کرمان، تذکره‌ی صفویان کرمان، یعقوب لیث، راهنمای آثار تاریخی کرمان، منابع و مأخذ تاریخ کرمان و ..



اما گروه دوم آثار باستانی پاریزی، عناوینی آمیخته با صور خیال و لبریز از تصویرهای گوناگون هستند که این عناوین را را نیز باتوجه به ساختار ظاهری و معنایی، می توان به پنج دسته تقسیم کرد.

نخست مجموعه هفتی‌ها؛ شامل هشت اثر که در ترکیب نام آن‌ها، عدد هفت به زیبایی به کار گرفته شده و از جلوه های احساسی و تخیلی و تاریخی این عدد که نمودی سمبولیک در فرهنگ ما دارد استفاده شده است. این سمبل‌گرایی عددی، در کنار تصویر آفرینی‌های متعدد، عناوین هفتی‌های نویسنده را جلوه‌ای رمانتیک داده است. خاتون هفت قلعه، آسیای هفت سنگ، نای هفت بند، اژدهای هفت سر، کوچی هفت پیچ، زیر این هفت آسمان، سنگ هفت قلم و هشت الهفت مجموعه‌ی هفتی‌های باستانی پاریزی است.

دسته‌ی دوم عناوینی هستند که به طور کامل یا ناقص، ساختار ضرب المثلی معروف را در خود دارند و این ضرب المثل‌ها با کنایه‌ای که پشت خود دارند و تصویر آفرینی که در آنها وجود دارد، در کنار استفاده از صور خیال و سیری آفاقی به گذشته‌ها و گاه حالتی سمبولیک، به خوبی با ویژگی‌های رمانتیسیم مطابقت دارند. شاهنامه آخرش خوش است، تن آدمی شریف است، نون جو و دوغ گو، در شهر نی سواران و ... از این شمار هستند.

گروه سوم عناوینی که برگرفته از حکایات و حوادث تاریخی است، البته نه عناوین و عباراتی دست فرسود همه و عادی. اطلاع دقیق دکتر باستانی از تاریخ و فرهنگ گذشته و ذهن تیزبین او عناوینی را برگزیده که مختص خود او هستند و از لابلای حوادث به ظرافت بیرون کشیده شده‌اند. این عناوین واجد جذابیت، خیال‌انگیزی، پرسش‌انگیزی، جلوه‌های نمادین، هماهنگی‌های موسیقایی، استعاره‌های لطیف، آشنایی زدایی و بسیاری از شگردهایی هستند که فضایی لبریز از حس و عاطفه و خیال به وجود می‌آورند و فضایی نامتناهی و دیر پاسخ را پیش روی مخاطب می‌نهند و در نهایت کوتاهی، حامل معانی انبوه هستند. درخت جواهر، آفتابه‌ی زرین فرشتگان، کلاه گوشه‌ی نوشین روان، مار در بتکده‌ی کهنه و ... در این ردیف قرار می‌گیرند.

سه اثر باستانی پاریزی، عبارات ساده‌ای هستند با پسوند «ستان» که اینان نیز علاوه بر نشان دادن نقش بساوند در عنوان سازی، سیالی و رهایی ذهن نویسنده را در فضایی لایتناهی و بی‌پایان برای نام‌گزینی نشان می‌دهند. نویسنده از نام کشورهای آسیایی الهام می‌گیرد و عبارات زیبای حضورستان، هزارستان و حصیرستان را می‌سازد که هیچ کدام از زیبایی‌های خیالی و تصویری در حدّ خود خالی نیستند.



گروه پنجم آثاری هستند که از اسامی مکان‌ها گرفته شده‌اند. این اسامی هم عادی و کم‌جاذبه نیستند و گاهی موسیقی حروف در آنها خیال‌آفرین است و زمانی نام‌های جذاب محلی که برای گره‌گشایی و درک، نیاز به دقت فراوان دارد و در عین حال فضای گسترده‌ای را پیش ذهن ما باز می‌کند و ذهن را به تکاپویی خیال‌انگیز وادار می‌کند.

آخرین دسته‌بندی است که حاصل ترکیب‌سازی‌های بدیع‌نویسنده هستند. ترکیباتی که در عین آشنا بودن به ذهن خواننده، جنبه‌ای پنهان را مد نظر دارند که سیر تخیل می‌تواند تصاویر مورد نظر نویسنده را دریابد. این ترکیب‌ها عموماً حاوی عناصر خیال‌انگیز هستند، کوتاه هستند، دارای موسیقی لطیفی هستند و گاه از عناصر نمادین و تمثیلی نیز بهره می‌برند.

به طور کلی در عناوین آثار محمد ابراهیم باستانی پاریزی چنان که به تفصیل سخن رفت؛ ویژگی‌های رمانتیک موج می‌زند. از اهمیت دادن به تصویرگری و تخیل گرفته تا خودجوشی و آزادی احساس، درون‌نگری و کمک گرفتن از آن برای سیر در گستره‌ی تاریخ، بازگشت به اسرار طبیعت و پر و بال دادن به ذهن، نوستالوژی آرزو و حسرت، توجه کردن به تجربه‌های شخصی و تلاش برای درک ماهیتی نامتناهی؛ همه و همه در کنار ویژگی‌های موسیقایی و صور خیال، این عناوین را عمقی حسی و عاطفی، آنچنان که در مکتب رمانتیسم مد نظر است می‌دهد. بر این پایه ما طرز نویسندگی باستانی پاریزی را دارای رگه‌های قوی رمانتیسم می‌دانیم و این حکم در مورد عناوین منتخب او نیز همان‌گونه که گذشت اثبات می‌شود.

باستانی پاریزی در عنوان‌گزینی آثار، چهره‌ی کم‌نظیری است. اگر از عناوین کتب او بگذریم عناوینی که برای هر بخش، فصل یا مقاله برمی‌گزیند نیز بسیار جالب و در خور توجه است که اگر استخراج شود و مورد بررسی قرار گیرد شاید از صدها عنوان زیبا و در خور، فراتر رود که خود تحقیقی دامنه‌دارتر و شاید نگارش رساله‌ای تحقیقی را طلب کند و شگردهای عنوان‌سازی ایشان را برای استفاده‌ی بیشتر نویسندگان و محققان نمایان‌تر سازد.



منابع

- آقا شریف، احمد (۱۳۸۳)، *اسرار و رموز اعداد و حروف*، تهران: نشر محبی.
- اخروی، مهدی (۱۴۰۱)، *مختصری در نظریه پردازي ادبی*، تهران: فکر بکر.
- روانی پور، منیرو (۱۳۶۹)، *افسانه ها و باورهای جنوب*، تهران: نشر نجوا.
- اکبری، احمد رضا (۱۳۸۲)، «*باستانی پاریزی و کتاب کاسه کوزه ی تمدن*»، در: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش. ۷۵ و ۷۶. دی و بهمن.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۶۹)، *نای هفت بند*، تهران: نشر عطایی.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۷۰)، «*سایه های کنگره*»، در: کلک. ش. ۱۴ و ۱۵. اردیبهشت و خرداد.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۷۵)، «*نون جو ودوغ گو*»، در ادبیات و زبان ها، ش. ۱۶۳. بهمن.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۰)، *کاسه کوزه ی تمدن*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۱)، *کلاه گوشه ی نوشیروان مغ*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۲)، *آسیای هفت سنگ*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۲)، *حماسه ی کویر*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۲)، *درخت جواهر*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۲)، *آسیای هفت سنگ*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۵)، *هواخوری باغ با گوهر شب چراغ*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۸۵)، *زیر این هفت آسمان*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۹۳)، *پوست پلنگ بر پشت پلنگ*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۹۳)، «*مور بیچاره (گفت و گوی علی دهباشی با محمد ابراهیم باستانی پاریزی)*»، در: بخارا. ش. ۱۵. فروردین و اردیبهشت. ۹۹.



- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۹۴)، *محبوبه‌ی سیاه و طوطی سبز*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۹۸)، *از سیر تا پیاز*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۹۸)، *حصیرستان*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۳۹۹)، *شمع در طوفان*، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد رضا (۱۴۰۰)، *آفتابه زرین فرشتگان*، تهران: علم.
- باستانی راد، حسین (۱۳۸۱)، «*تاملی در خود مشیت ومالی*»، در: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش. ۶۴. بهمن.
- برلین، آیزا (۱۳۸۵)، *ریشه‌های رمانتیسم*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر ماهی.
- ثروت، منصور (۱۳۸۵)، *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، تهران: سخن.
- جعفری، مسعود (۱۳۷۸)، *سیر رمانتیسم در اروپا*، تهران: نشر مرکز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث الدین محمد (۱۳۸۸)، *غیاث اللغات*، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیر کبیر.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۶)، «*پیش درآمدی بر مکتب‌ها و رویکردهای ادبی*»، دفتر اول، تهران: فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی
- سید حسینی، سید رضا (۱۳۸۴)، *مکتب‌های ادبی*، تهران: آگاه.
- صائب تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۶۵)، *دیوان غزلیات صائب تبریزی*، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی فرهنگی
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۰)، *شاهنامه*، تصحیح ژول مول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- فورست، لیلیان (۱۳۷۵)، *رمانتیسم*، ترجمه ی مسعود جعفری، تهران: مرکز.
- مهیاری، محمد (۱۳۷۸)، «*نگاهی به معیارهای زیباشناختی در انتخاب نام کتاب‌ها*»، در: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش. ۱۹. اردیبهشت.



نوشاهی، عارف و جلال حسینی (۱۳۶۹)، «نام گذاری کتاب های فارسی در شبه قاره»، در: تحقیقات و اطلاع رسانی دانشگاهی. ش. ۱۶۰. فروردین.

هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، «کارکرد تمثیل از دیدگاه منتقدان رمانتیک»، در نقد ادبی، س. ۳. ش. ۹، بهار.





Romanticism in the titles of Mohammad Ebrahim Bastani Parisi's books

Mehdi Okhravi¹

Abstract:

One of the most famous and influential writers of our time was Dr. Mohammad Ebrahim Parisi. In addition to the deep historical information and the smooth and colorful pen he used to write, he also showed great creativity in choosing titles for his books and articles. Names that are sometimes very scientific and logical, sometimes very ambiguous and romantic, and sometimes very musical and imaginative. In this article, we reflected on the titles of Dr. Parisi's books, and considering the course of choosing titles in Iran and the place of authors in this historical process, we looked more closely at their romantic methods of choosing titles, and with a brief introduction of the works, we examined the attractive aspects of the titles. we did . In the end, what came out is that Parisi is a writer inclined to the school of romanticism, and this tendency, in the titles of some works, in different ways, such as paying attention to feeling and emotion, imagination, weight and music, ambiguity and suspense, familiarity Demystifying and distinguishing, paying attention to personal experiences and world travel, especially in time and... It was considered by the author.

Key words: Bastani Parisi", "nomenclature", "romanticism", "history of Kerman", "etymology